

فصلنامه علمی- تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی  
سال سوم- پاییز ۱۴۰۲- شماره چهاردهم- ص ۱۰۱-۱۱۷

## بررسی عصمت حضرت زهرا(س) در آیه تطهیر در منابع اهل سنت

رحمان بوالحسنی<sup>۱</sup>

سید سلمان صابری کنارانجام<sup>۲</sup>

### چکیده

در منابع متعدد شیعی، عصمت حضرت زهراء(س)<sup>۱</sup>، با استفاده از آیه تطهیر و روایات متعدد همانند روایاتی که مح دثه بودن آنحضرت را بیان می کند، قابل اثبات می باشد ولی در منابع اهل سنت کمتر به این مقوله مهم پرداخته شده و آنچه بیان میگردد آراء مف سرین و صاحب نظران اهل سنت راجع به اثبات عصمت آن حضرت با توجه به آیه تطهیر می باشد. باید توجه داشت که شناخت حضرت زهرا(س) برطبق منابع اهل سنت؛ جایگاه آن حضرت را نشان داده و می تواند نقش مهمی در شناخت ابعاد زندگیا آن حضرت داشته باشد و بانوان جامعه ما میتوانند به عنوان الگویی کامل از ایشان یاد کنند و چنین الگوی حسنه ای میتواند جامعه اسلامی را در برابر تهاجم فرهنگ ی حفظ کرده و همچنین با توجه به اینکه ایشان دارای جایگاه ویژه ای در بین فریقین هستند میتوانند وحدت جامعه مسلمین را به همراه داشته باشد.

کلمات کلیدی: عصمت، رجس، تطهیر.

<sup>۱</sup> استاد دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری تاریخ شیعه، دانشگاه ادیان و مذاهب قم

## مقدمه

حضرت زهرا(س)، دخت نبی گرامی اسلام، تنها زن معصوم در اسلام می باشد و دلیل عصمت ایشان این نیست که آنحضرت، دختر رسول گرامی اسلام بوده و یا همسر وصی رسول گرامی اسلام و مسائل ارثی و سایر مسائلی که در سلسله های پادشاهی غیر الهی رخ میدهد که به عنوان مثال در برخی از حکومت های گذشته فقط خاندان سلطنتی میتوانستند با سواد باشند و سایرین این حق را نداشتند. بلکه عصمت ایشان ریشه قرآنی داشته و هر چند ایشان دارای سمت نبوت و یا امامت نبوده اند، اما دارای ملکه عصمت بوده اند.

اثبات عصمت آنحضرت به خوبی، جایگاه والای ایشان را مشخص کرده و می توان با تمسک به عصمت حضرت؛ آن حضرت را الگویی بسیار کامل به جوامع معرفی کرد و همینطور با اثبات عصمت آنحضرت می توان جایگاه زن در اسلام را به طور واضحی برای جوامع دینی و غیر دینی بیان کرد تا برای برخی این اشتباه که اسلام برای زنان، جایگاهی قائل نشده پیش نیاید و خط بطلانی بر عقاید آنها بی کشید که زن را از دید اسلام، بی ارزش می پندارند.

آنچه که مشخص است اینست که قاطبه علمای شیعه با توجه به آیات و روایات متعددی که به دست آنها رسیده، به عصمت آنحضرت معتقد می باشند و آیه تطهیر نیز قوی ترین دلیل بر عصمت حضرت زهرا(س) بیان شده و در کتب تفسیری و عقایدی متعددی به این مبحث پرداخته شده، حتی در کتاب «اسرار آل محمد» سلیم بن قیس هلالی که در زمان حضور حضرت امیرالمؤمنین (ع) به نگارش در آمده و بعنوان اولین کتاب در تاریخ اسلام به جای مانده و مورد تأیید و تأکید ائمه (ع) قرار گرفته، «عصمت» را مناط اطاعت از انبیاء و ائمه (ع) بیان میکند و بیان می دارد که اعتقاد ما اینست که حضرت زهرا دارای مقام عصمت و ولایت الهی می باشند، هر چند مقام امامت را دارا نمیباشند می باشند. ولی این مقوله مهم در میان اهل سنت با توجه به اینکه بعضا عصمت را حتی برای انبیاء هم ضروری نمیدانند، کمتر مورد توجه قرار گرفته.

لذا آنچه که در این تحقیق مورد کنکاش و بررسی قرار گرفته «بررسی عصمت حضرت زهرا(س) در آیه تطهیر با استفاده از منابع اهل سنت» می باشد که از جنبه های متعددی این مسئله بسیار مهم میباشد، از جمله اینکه اثبات عصمت آنحضرت با تکیه بر منابع اهل سنت می تواند مهم تأییدی بر عقیده شیعه راجع به عصمت بوده و با توجه به جایگاه شاخص حضرت زهرا(س) در بین فریقین، چه به سا حل و طرح چنین مسئله ای میتواند گامی در وحدت بخشی بیشتر بین فریقین باشد.

در ابتدای مقاله، مفهوم شناسی برخی لغات مهمی که در آیه شریفه آمده، بیان میشود و سپس به روایاتی پرداخته خواهد شد که در کتب اهل سنت در مورد این آیه شریفه و حضرت زهرا بیان شده، و سپس این مسئله حل خواهد شد که آیا میتوان با استفاده از این آیه؛ عصمت حضرت زهرا را اثبات کرد؟.

در این مقاله با توجه به اینکه بحث مد نظر، آیه شریفه تطهیر میباشد، غالب منابع مورد استفاده، کتب تفاسیری اهل سنت میباشند، ولی بدلیل اهمیت ویژه برخی کتب در نزد اهل سنت، بعضاً از برخی منابع غیر تفسیری اهل سنت نیز استفاده شده و همینطور تنها کتاب شیعی که در این مقاله استفاده شده آنهم صرفاً در مقدمه نه در اصل مقاله، کتاب سلیم بن قیس هلالی می باشد. نکته ای که شایسته است مورد توجه قرار گیرد این مطلب می باشد که سعی بر این بوده که ترجمه روایات بصورت روان و امروزی باشد، نه ترجمه تحت اللفظی کلمات.

### مفهوم شناسی :

**عصمت** : آنچه که در معنا و مفهوم عصمت در کتب لغوی بیان شده، می تواند راه گشای بسیاری از مسائل مطرح شده در باب عصمت باشد.

« عصمت » در کتاب «العین» اینگونه تعریف شده : « العصمة : أن يعصمك الله من الشر، أي : يدفع عنك<sup>(۱)</sup> (العین، ج ۱، ص ۳۱۳). عصمت این است که خداوند انسان را از شرّ، حفظ کند و شرّ را از او دفع نماید و همینطور در کتاب « الفروق فی اللغة» در بیان فرق بین لطف و توفیق و عصمت و... اینگونه آمده که : عصمت صفتی بوده که انسان را از انجام گناه آنهم کاملاً اختیاری باز میدارد و از صفات معصوم می باشد (الفروق فی اللغة، ۳۹۵ ه.ق (ص ۲۱۳) در سایر کتب لغوی نیز عصمت اینگونه بیان شده و به معنای منع کردن و حالت دوری از گناه و اشتباه بیان شده . حال با توجه به اینکه لغوی ها نیز اعتراف به این دارند که عصمت، ملکه ای بوده که صاحبش را از انجام گناه و اشتباه باز میدارد باید دید نظر مفسرین از بزرگان اهل سنتراجع به عصمت حضرت زهرا(س) با توجه به آیه تطهیر چیست ؟

۱. **ال رَجَسُ**: لسان العرب معنای «الرجس» را اینگونه بیان میکند : «الرجس : القدر، و قد يعبر به عن الحرام و الفعل القبيح والعذاب و اللعنة و الكفر ... (لسان العرب، ج ۶، صفحه ۹۵) رجس یعنی پلیدی که بعضاً از آن به حرام، کار زشت، یا عذاب و لعنت و کفر تعبیر میشود .

همینطور أبو منصور الأزهري در تهذیب اللغة؛ اینگونه بیان می کند: «الرجس : العمل الذي يقيح ذكره و يرتفع و في القبح<sup>(۴)</sup> (تهذیب اللغة، ج ۱۰ ص ۳۰۷). رجس یعنی کاری که گفتن آن زشت بوده و از بدی نشأت میگیرد و مجاهد نیز در تفسیرش، « رجس » را « ما لا خير فيه ؛ چیزی که در آن، خیری نیست » معنا میکند. (تفسیر مجاهد، ج ۱، ص ۳۲۸)

سایر اهل لغت نیز برای رجس، تعاریفی قریب به همین مضامین را بیان کرده اند و آنچه که از آنها فهمیده می شود اینست که «رجس» به هرگونه پلیدی و پستی اطلاق میشود .

**تطهیر** : آنچه که در کتب لغوی برای بیان معنای تطهیر و طهارت بیان شده، اینرا می رساند که استعمال ماده « طهر » و « طهارت » و ... برای پاکیزگی جسمی و روحی بیان میشود .

بعنوان مثال أبو منصور ازهری در تهذیب اللغة در بیان معنای « أن طهراً بيتي ... » (بقره ۱۲۵) میگوید که: **يعني من المعاصي و الأفعال المحرمة** «تهذیب اللغة، ج ۶ ص ۱۰۰). اینکه خداوند به حضرت

اسماعیل و ابراهیم) علیهم السلام) میفرماید: «أَنْ طَهَّرَا بَيْتِي...» یعنی از گناهان و کارهای حرام پاککنید. و همینطور ابن منظور در لسان العرب نیز این معنا را بیان میکند. (لسان العرب، ج ۴، ص ۵۰۵) و همینطور ابومنصور در بیان معنای آیه ۱۵ آل عمران که در بیان صفات حوریان بهشتی آمده) وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ (میگوید: يَعْنِي مِنَ الْحَيْضِ وَالْبَوْلِ وَالْغَائِطِ). (تهذيب اللغة، ج ۶، صفحه ۱۰۰). و أزواج مطهرة، یعنی زنهایی پاک از حیض و بول و غائط.

و أبوهللال عسکری در الفروق الغویة، در بیان فرق بین طهارت و نظافت میگوید: أَنَاطَهَارَةٌ تَكُونُ فِي الْأَخْلَاقِ وَالْمَعَانِي (طهارت هم در مورد امور فطری وجود دارد هم حسی) (بعنوان مثال گفته می شود: المؤمن طاهر مطهر: یعنی جامع للخصال المحموده و یا گفته میشود: طاهر الثوب والجسد، ولی در مورد نظافت گفته نمیشود که فلانی نظیف الخلقهست) (الفروق اللغویة، ج ۱ ص ۲۶۴)

البته مکی بن ابی طالب در تفسیرش راجع به این آیه، چنین بیانی دارد:

{ إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلُ الْبَيْتِ } أَي: الشَّرُّ وَالْفَحْشَاءُ يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ. وَ { وَيَطْهَرُكُمْ } م { أَي مِنْ الدَّنَسِ وَالْمَعَاصِي تَطْهِيْرًا. قَالَ ابْنُ زَيْدٍ: الرَّجْسُ هُنَا الشَّيْطَانُ. { إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلُ الْبَيْتِ } يَعْنِي پَاك بُوْدُنْ اَزْ شَرِّ وَ بَدِي وَ { وَيَطْهَرُكُمْ } م { يَعْنِي اَزْ نَآپَاكِي وَ گناهان. ابْنُ زَيْدٍ نِيْزٌ مِيْگُوِيْدُ: مَنْظُوْرٌ اَزْ رَجْسٍ دَرِ اَيْنِجَا، شَيْطَانٌ اسْت. (الهداية إلى بلوغ النهاية، ج ۹ ص ۵۸۳۳) پس طهارت هم برای پاکی جسم استعمال میشود و هم برای پاکی روح.

#### آیه تطهیر، شأن نزول و بیان واقعه:

«...إِنْ مَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ أَلْ رَجْسُ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيَطْهَرُكُمْ تَطْهِيْرًا...» (سوره احزاب آیه ۳۳) بی گمان، خداوند اراده فرموده تا پلیدی را از شما اهل بیت دور کرده و شما را پاک و مطهر گرداند.

در احادیث متعددی که از مصادر فریقین نقل شده، بیان می شود که این آیه در خانه ام سلمه وقتی حضرت رسول اکرم(ص)، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و حسنین(علیهم السلام) در آنجا حضور داشتند نازل شده و در این هنگام، پیامبر(ص) (پارچه خیبری) کساء( را که بر آننشسته بود، بر روی خود، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و حسنین(علیهم السلام) کشید و دستهای خود را به سوی آسمان بالا برد و فرمود: خدایا! اینها اهل بیت من هستند. اینان را از هر پلیدی پاک گردان.

در این هنگام ام سلمه پرسید: آیا من نیز در جزء اهل بیت هستم که رسول اکرم(ص) پاسخ داد تو از همسران رسول خدایی و تو بر راه خیر هستی<sup>۱۳</sup>. (معانی القران، أبو جعفر النحاس، ج ۵ ص ۳۴۸)

ترمذی در جلد ۵ از سنن میگوید: عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلْمَةَ، رَبِيبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ { إِنَّمَا يَرِيْدُ اللهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسُ أَهْلُ الْبَيْتِ } فِي بَيْتِ أُمِّ سَلْمَةَ، فَدَعَا النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا فَجَلَّلَهُمْ بِكِسَاءٍ وَعَلَى خَلْفِ ظَهْرِهِ فَجَلَّلَهُ بِكِسَائِي ثُمَّ قَالَ « أَللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَادْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيْرًا » قَالَتْ

أم سلمة: و أنا معهم يا رسول الله؟ قال: « أنت على مكانك و أنت إلیخیر» (سنن ترمذی، ج ۵ ص ۶۶۳)

عمر بن ابی سلمه، که فرزند خوانده پیامبر بود نقل میکند که: آیه شریفه { إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ } زمانی بر پیامبر اکرم (ص) نازل شد که ایشان در خانه ام سلمه بودند، و بعد از نزول آیه، آنحضرت، فاطمه، حسن و حسین را دعوت کرده و با پارچه ای آنها را پوشاند، و همینطور علی را که پشت آنحضرت بودند را با آن پارچه پوشاند و سپه فرمودند: پروردگارا! اینان، اهل بیت من هستنند، پس پلیدی را از ایشان دور کرده و پاکشانگردان، در این هنگام ام سلمه پرسید: ای رسول خدا، آیا من نیز جزء اهل البیت هستم؟ کهر سول اکرم(ص) در جواب فرمودند: تو نیز جایگاه خودت را داری و بر راه خیر هستی .

حاکم نیز در المستدرک میگوید: عن أم سلمة قالت: في بيّتي نزلت: { إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ } قالت: فأرسل رسول الله صلى الله عليه وسلم إلى علي و فاطمة والحسن والحسين، فقال: «هؤلاء أهل بيّتي» هذا حديث صحيح على شرط البخاري. (المستدرک علی الصحيحین، ج ۳ ص ۱۵۸ حدیث ۴۷۰۵)

أم سلمه میگوید: آیه { إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ } در منزل من نازل شد و رسول خدا(ص) شخصی را بدنبال علی، فاطمه و حسنین (علیهم السلام) فرستاد و فرمود: ایشان اهل بیت من هستند. و در ادامه حاکم میگوید: این حدیث صحیح است بنا بر شرط بخاری. (همان، حدیث ۴۷۰۹، برای مطالعه بیشتر: المستدرک ج ۲ ص ۴۵۱ ح ۳۵۵۸ و ۳۵۵۹، ینابیع المودة قندوزی، ج ۲ ص ۲۲۷ ح ۶۴۰ و ۶۴۳، تاریخ دمشق ابن عساکر ج ۱۴ ص ۱۴۴ و ۱۴۵، خصائص نسائی ج ۱ ص ۴۹)

و نیز حاکم در ادامه این حدیث را بیان میکند که: وقتی رسول گرامی اسلام نزول رحمت الهی را مشاهده کردند، دو مرتبه فرمودند: ادعوا لی ( آنها را به اینجا دعوت کنید) ، در این هنگام صف یه گفت: چه کسی را؟ رسول اکرم فرمودند: اهل بیتم علی و فاطمه و حسن و حسین را و بعد از اینکه آنها آمدند رسول اکرم، کساء خود را روی آنها انداخت و دست به آسمان بلند کرده و فرمود: اللَّهُمَّ هَؤُلَاءِ آلِي فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خدایا ایشان اهل بیتم می باشنند پس صلوات بفرست بر محمد و آلس... ( و در ادامه مهر تأییدی برای اثبات صحت این حدیث زده و بیان میکند: هذا حدیث صحیح الإسناد علی شرط الشيخین .... (تفسیر ابن کثیر، أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر، ج ۶ ص ۴۱۱)

ابن کثیر نیز در تفسیرش میگوید: حضرت رسول اکرم بعد از نزول آیه تطهیر به مدت ۶ ماه هنگامی که برای نماز صبح بیرون می آمد، به درب منزل حضرت زهرا رفته و بعد از دعوت به نماز، آیه تطهیر را تلاوت می فرمود.

منظور از شرط بخاری: بخاری در نقل روایت در صحیحش سه شرط گذاشته که عبارتند از: الف: راوی ضابط باشد (فراموش کار نباشد). ب: دانشمندان بر وثاقت راوی، اتفاق داشته باشند. ج: راوی، کسی را که از او روایت میکند، ملاقات کرده باشد .

أخبرنا علي بن زيد رضي الله عنه قال: إن رسول الله صلى الله عليه وسلم كان يمرُّ ببابِ فاطمة بنتِ عَاشِرٍ إذا خرج إلى صلاةِ الفجر يقول: ال صلاةُ يا أهل البيت، { إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً } (الكشف والبيان عن تفسير القرآن، أبو اسحاق ثعلبي، ج ۸ ص ۴۱)

این روایت را که رسول اکرم، بعد از نزول آیه تطهیر به مدت ۶ ماه دائماً (کان یمراً) هنگام نماز صبح به درب منزل حضرت زهرا رفته و آیه تطهیر را میخواند، ابن کثیر علاوه بر تفسیرش در البدایة والنهایة نیز می آورد و طبرانی در المعجم الکبیر جل ۳ د، صفحه ۵۳ و ۵۴، حدیث ۲۶۶۳ تا ۲۶۶۸ و صفحه ۵۶، حدیث ۲۶۷۱ نقل می کند.

ثعلبی نیز در تفسیرش به نقل از بدخشانی اینگونه بیان می کند که: با توجه به روایات فراوانی که حاکی از این است که رسول اکرم، حضرت زهرا و حضرت علی و حسنین (علیهم السلام) را با کساء پوشاند و سپس فرمود: { إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً }، آل عبا، عبارتند از این ۴ شخص.

و سخن عبدالعزیز بخاری که گفته اهل بیت، همسران رسول اکرم هستند، را رد میکند. (جامع البيان، أبو جعفر طبری، ج ۱۹، ص ۱۰۵)

طبری نیز در تفسیر جامع البيان، قضیه را اینگونه بیان می کند:

عن أبي سعيد عن أم سلمة، زوج النب ي صلى الله عليه و سلم أن هذه الآية نزلت في بيتها { إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً }، قالت: وَأَنَا جَالِسَةٌ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ، فَقُلْتُ: أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتُ مِنْ أَهْلِ الْبَيْتِ؟ قَالَ: «إِنَّكَ إِلَى خَيْرٍ، أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ» قالت: وَفِي الْبَيْتِ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ» (الكشف والبيان عن تفسير القرآن، أبو اسحاق ثعلبي، ج ۸ ص ۴۱)

ابی سعید خدری به نقل از ام سلمه، همسر رسول اکرم، نقل میکند که آیه { إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً } در منزل ام سلمه نازل شد، در حالیکه ام سلمه در کنار درب منزل، نشسته بودند و در خانه هم، پیامبر، علی، فاطمه و حسنین حضور داشتند، لذا ام سلمه از رسول اکرم سؤال میکنند که: ای رسول خدا! آیا من از اهل بیت نیستم؟ و آنحضرت پاسخ میدهند که: تو بر خیر هستی و از زنان پیامبری. وهمینطور احادیث متعدد دیگری را ذیل آیه می آورد که دل بر این می باشد که حضرت زهرا(س) جزء اهل بیت بوده و از هر رجس و پلیدی، پاک می باشد.

نکته مهم دیگری که ثعلبی در تفسیرش به بیان آن می پردازد این است که به نقل از احمد بن محمد شامی میگوید: امهات کتب اهل سنت و همه کتب شیعه بر این مسئله اتفاق نظر دارند که مراد از اهل بیت در آیه تطهیر، رسول اکرم، امیرالمومنین، حضرت زهرا و حسنین (علیهم السلام) می باشد، چرا که تفسیری که رسول اکرم(ص) از اهل بیت در این آیه میفرماید متوجه این پنج تن است و هر قوی که مخالف با بیان رسول اکرم(ص) باشد باید به دیوار کوبیده شود و تفسیر رسول اکرم(ص) اولویت دارد بر تفسیر دیگران، چرا که کسی جز او نمی تواند به خوبی منظور پروردگارش را بفهمد.

و در ادامه به نقل از شبلینجی میگوید: یکی از مواردی که شهادت می دهد به اینکه مراد از اهل بیت در آیه تطهیر، علی، فاطمه، حسن و حسین هستند، قضیه مباحثه می باشد (فتح القدير، شوکانی ج ۴ ص ۳۲۲ و ۳۲۳)

و شوکانی نیز در تفسیر فتح القدير واقعه را چنین بیان می کند:

عَنْ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلْمَةَ رَيْبِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى آلِ نَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ آلِ رَجَسٍ وَ ذَكَرَ نَحْوَ حَدِيثِ أُمِّ سَلْمَةَ. وَأَخْرَجَ ابْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَأَحْمَدُ وَمُسْلِمٌ وَابْنُ جَرِيرٍ وَابْنُ أَبِي حَاتِمٍ وَ الْحَاكِمُ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ خَرَجَ آلُ نَبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ غَدَاةً وَعَلَيْهِ مِرْطٌ مَرَحَلٌ مِنْ شَعْرِ أَسْوَدَ فَجَاءَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنَ فَأَدْخَلَهُمَا مَعَهُ ثُمَّ جَاءَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا مَعَهُ ثُمَّ جَاءَ عَلِيُّ فَأَدْخَلَهُ مَعَهُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ آلِ رَجَسٍ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

پسر خوانده رسول اکرم، عمر بن ابی سلمه، نیز راجع به نزول آیه تطهیر حدیثی را مشابه آنچه که ام سلمه نقل کرده، بیان میکند. و عایشه نیز میگوید: روزی پیامبر خدا از خانه خارج شد در حالی که پارچه ای مشکی به همراه داشت، که در این هنگام حسن، حسین، فاطمه و علی (علیهم السلام) وارد شدند و رسول اکرم، آنها را زیر آن پارچه قرارداد، سپس پیامبر خدا فرمودند: إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ آلِ رَجَسٍ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا. و در ادامه نیز بیان میکند که تصریح احادیث بر این مطلب دلالت دارند که علی، فاطمه، حسن و حسین، سبب نزول این آیه هستند. (الهدایة إلى بلوغ النهایة، ج ۹، ص ۵۸۳۴)

مکی بن ابی طالب نیز در تفسیرش (الهدایة إلى بلوغ النهایة) در تفسیر آیه می نویسد: و قیل: عُني بأهل البيت هنا النبي و علي و فاطمة و الحسن و الحسين عليهما السلام رواه الخدري عن النبي أنه قال " نزلت الآية في خمس: في، و في، و في، و فاطمة و الحسن و الحسين عليهما السلام " و هو قول جماعة من الصحابة .

گفته شده که مراد از اهل بیت در آیه تطهیر، پیامبر، علی و فاطمه و حسن و حسین میباشد، که خدای این را از رسول اکرم روایت کردند، که آنحضرت فرمودند: آیه تطهیر در شأن پنج شخص نازل شده: من، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) و این مطلب، بیان عده ای از صحابه می باشد. (الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۳۴۶)

نکته قابل توجه این می باشد که مکی بن ابی طالب میگوید اینکه مراد از اهل البیت در آیه تطهیر، پیامبر، علی، فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) هستند، قول گروهی از صحابه هستند و این میتواند نقطه قوتی برای تقویت این مطلب باشد که آیه تطهیر شامل این پنج تن می شود و صحابه نیز این مطلب را قبول داشته اند .

آبوزید ثعالبی هم در تفسیرش بعد از بیان آیه تطهیر، و اندکی توضیحات راجع به ابتدای آیه چنین بیان میکند:

وال رَجَسَ اسْمٌ يَقَعُ عَلَى الْإِثْمِ وَعَلَى الْعَذَابِ وَعَلَى النَّجَاسَاتِ وَالنَّقَائِصِ، فَأَذْهَبَ اللَّهُ جَمِيعَ ذَلِكَ عَنْ أَهْلِ الْبَيْتِ، قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي بَيْتِي فِدَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلِيَّ يَا فَاطِمَةَ وَحَسَنًا وَحُسَيْنًا فَدَخَلَ مَعَهُمْ تَحْتَ كِسَاءِ خَيْبِرِي، وَقَالَ: «هُؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي، وَقُرْ أَلَايَةَ، وَقَالَ اللَّهُمَّ أَذْهَبْ عَنْهُمْ أَلِ رَجَسٍ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيرًا، قَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: فَقُلْتُ: وَأَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: أَنْتِ مِنْ أَزْوَاجِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَنْتِ إِلَى خَيْرٍ» والجمهور على هذا.

«رجس» اسمی است که دلالت میکند بر گناه، عذاب، نجاسات، و نقصان که خداوند همه اینها را از اهل بیت دور کرده، أم سلمه بیان میکنند که: این آیه در منزل من نازل شد، و رسول اکرم، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم السلام) را دعوت کرد و خود رسول اکرم، نیز به همراه ایشان، و زیر کساء خیبری وارد شدند، و حاضر رسول اکرم، فرمودند: ایشان اهل بیت من هستند و آیه را هم تلاوت فرمودند، و سپس بیان کردند: خدایا رجس را از ایشان دور کرده و پاکشان بگردان، أم سلمه میگوید در این هنگام پرسیدم: من نیز جزء اهل بیت هستم؟ و رسول اکرم پاسخ دادند که: تو جزء زنان پیامبر هستی و بر خیر.

بغوی نیز در تفسیرش راجع به نزول آیه تطهیر این چنین بیان میکند:

عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ شَيْبَةَ الْحَجَبِيَّةِ عَنْ عَائِشَةَ أُمِّ الْمُؤْمِنِينَ قَالَتْ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ غَدَاةٍ وَعَلَيْهِ مِرطٌ مِنْ شَعْرِ أُسُودٍ، فَجَلَسَ فَأَتَتْ فَاطِمَةُ فَأَدْخَلَهَا فِيهِ ثُمَّ جَاءَ عَلِيًّا فَأَدْخَلَهُ فِيهِ، ثُمَّ جَاءَ الْحَسَنَ فَأَدْخَلَهُ فِيهِ، ثُمَّ جَاءَ حُسَيْنًا فَأَدْخَلَهُ فِيهِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَلْأَهْبَ عَنْكُمْ أَلِ رَجَسٍ أَهْلُ الْبَيْتِ وَيَطْهَرَكُمْ تَطْهِيرًا. (معالم التنزيل في تفسير القرآن، أبو أحمد بغوي، ج ۳ ص ۶۳۷)

آلوسی نیز در روح المعانی تعابیر جالبی راجع به این آیه شریفه و شأن نزول آن بیان میکند که قابل توجه است، او در جلد ۱۱ روح المعانی چنین می نویسد:

أَخْرَجَ التِّرْمِذِيُّ وَالْحَاكِمُ وَصَحَّاحُهُ وَابْنُ جُرَيْرٍ وَابْنُ الْمُنْذِرِ وَابْنُ مَرْدُويه وَالبَيْهَقِيُّ فِي سَنَنِهِ مَنْطَرِقٌ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِيَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا قَالَتْ فِي بَيْتِي نَزَلَتْ إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ الرِّجْسَ أَهْلُ الْبَيْتِ وَفِي الْبَيْتِ فَاطِمَةُ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ فَجَلَلَهُمُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِكِسَاءٍ كَانَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: هُؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي فَأَذْهَبَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيرًا. ترمذی، حاکم، ابن جریر، ابن منذر، ابن مردویه و بیهقی در سنن خود از طریق ام سلمه بیان کرده اند که ام سلمه گفت: آیه اینمآ یَرِيدُ اللَّهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ أَلِ رَجَسٍ أَهْلُ الْبَيْتِ وَيَطْهَرَكُمْ تَطْهِيرًا در منزل من نازل شد، در حالی که فاطمه، علی، حسن و حسین در منزل بوده اند و رسول اکرم، ایشان را با کساء پوشانده و فرمودند: ایشان اهل بیت من هستند، پس پلیدی را از ایشان دور کرده و پاکشان بگردان.

سپس احادیث متعددی را راجع به این موضوع بیان میکنند که پیامبر اکرم با اشاره به آن حضرات صراحتاً فرموده: هؤلاء اهل بیتی. اینان اهل بیت من هستند و سپس دعا فرموده (و اینکه ام سلمه نیز میپرسد آیا من نیز جزء اهل بیت هستم و آنحضرت میفرماید: تو جزء زنان پیامبری و بر خیر.

و در ادامه، آلوسی بیان میکند که: وأخبار إدخاله صلى الله عليه وسلم عليا وفاطمة وابنيهما رضي الله تعالى عنهم تحت الكساء وقوله عليه الصلاة والسلام اللهم هؤلاء اهل بیتی ودعائهم وعدم إدخال



أم سلمة أكثر من أن تحصي. و احادیثی که دلالت میکنند براینکه مراد از اهل بیت در آیه شریفه، پیامبر اکرم، علی، فاطمه و حسنین(علیهم السلام) هستند و زیر کساء بوده اند، و پیامبر فرموده: هؤلاء أهل بیته و سپس دعایشان فرموده و ام سلمه را جزء اهل بیت ندانسته، غیر قابل شمارش می باشند. (تفسیر روح المعانی الوسی، ج ۱۱ ص ۱۹۵) و در ادامه بیان میکند که:

وَأَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ ظَاهِرَ مَا صَحَّ مِنْ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِنِّي تَارِكُ فَيْكُمُ خَلِيفَتَيْنِ - وَفِي رِوَايَةٍ - ثَقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ حَبْلٌ مَمْدُودٌ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَعِزَّتِي أَهْلُ بَيْتِي وَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ» يَقْتَضِي أَنَّ النِّسَاءَ الْمُطَهَّرَاتِ غَيْرِ دَاخِلَاتِ فِي أَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ هُمَا أَحَدُ الثَّقَلَيْنِ لِأَنَّ عِتْرَةَ الرَّجُلِ كَمَا فِي الصَّحاحِ نَسْلُهُ وَرَهْطُهُ الْأَدْنُونَ وَأَهْلُ بَيْتِي فِي الْحَدِيثِ الظَّاهِرِ أَنَّهُ بَيَانٌ لَهُ أَوْ بَدَلٌ مِنْهُ بَدَلٌ كُلِّ مَنْ كُلِّ وَعَلَى التَّقْدِيرِ يَكُونُ مُتَّحِدًا مَعَهُ فَحَيْثُ لَمْ تَدْخُلِ النِّسَاءُ فِي الْأَوَّلِ لَمْ تَدْخُلِ فِي الثَّانِي

با توجه به روایت صحیح ثقلین؛ که رسول اکرم یکی از ثقلین را اینگونه معرفی میکند: «عترتی اهل بیته»، دلالت بر این دارد که زنان پیامبر(ص)، جزء اهل بیته نیستند که آنها اهل بیت یکی از ثقلین هستند، چرا که عترت مرد، همانطور که در صحاح نیز آمده، نسل و قوم نزدیک او میباشند و اینطور به نظر میرسد که «اهل بیته» در حدیث ثقلین، «عترتی» را بیان میکند، یا بصورت بدل منه یا بدل کل از کل، و به هر حال «اهل بیت» در حدیث ثقلین، همان «عترت» هستند، و حال که زنان پیامبر داخل در اهل بیت حدیث ثقلین نمیشوند، چگونه میتوان آنها را داخل در آیه تطهیر کرد؟

و قول قرطبی را که گفته، اهل بیت، همه کسانی هستند که زکات بر آنها حرام است، صحیح نیست چرا که: والذی رجحه القرطبی أنهم من حرمت علیهم الزکاة، و فی کون الأزواج المطهرات کذلک خلاف قال ابن حجر: والقول بتحريم الزکاة علیهن ضعيف. آنچه که قرطبی آنرا پذیرفته و قائل به این شده که مراد از اهل بیت، کسانی هستند که زکات بر آنها حرام است و زکات بر زنان پیامبر حرام می باشد، اختلافی است، و ابن حجر این مطلب را که زکات بر زنان پیامبر حرام می باشد را ضعیف میدانند پس زنان پیامبر نمیتوانند مصداق و شأن نزول این آیه باشند. (نساء، آیه ۵۹)

### عصمت در آیه تطهیر:

با توجه به روایات متعددی که در کتب تفسیری و غیر تفسیری اهل سنت، آمده؛ مشخص شد که حضرت زهرا(سلام الله علیها) داخل در اهل بیته هستند که در آیه تطهیر آمده؛ سؤالی که مطرح میشود اینست که آیا میشود با استدلال به این آیه، عصمت پیامبر اکرم، حضرت علی و حسنین(علیهم السلام) و به طور خاص عصمت حضرت زهرا را ثابت کرد؟

در ابتدای این مقاله نیز معنای عصمت از دید لغویون به طور کامل واضح گردید، و مشخص شد که عصمت یعنی اینکه خداوند، انسان را از شر و بدی حفظ کند و همانطور که فروع اللغویة بیان کرده، عصمت یعنی پرهیز از خطا و اشتباه با وجود اختیار کامل و رجس نیز به هرگونه پلیدی، قبح و چیزی که خیری در آن نباشد، اطلاق میگردد.

حال حداقل از دید لغوی ها که نظر آنها در مشخص شدن معانی آیات قرآنی بسیار مهم می باشد مشخص می شود که اگر حضرت زهرا یکی از مصادیق این آیه باشد، یعنی اینکه حضرت زهرا با تمام اختیاری که داشته، از ش ر، پلیدی، رجس و کلا از هر چیزی که خیری در آن نبوده، دوری کرده اند و آیا میتوان گفت عصمت معنایی جز این دارد؟

علاوه بر قول لغوی ها، میتوان به احادیث متعددی که از نبی گرامی اسلام در منابع اهل سنت آمده و امر به اطاعت از اهل بیت کرده تمسک جست .

فخر رازی در تفسیرش، راجع به دستور الهی برای اطاعت از پیامبر و اولی الامر، نه تنها عصمت از گناه، بلکه عصمت از خطا را نیز واجب میدانند و در مورد آیه { یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا رسول و اولی الامر منکم } (تفسیر کبیر، فخر رازی، ج ۱۰ ص ۱۱۶) مینویسد: « و ثبت أن کل من أمر الله بطاعته علی سبیل الجزم و جب أن یكون معصوماً عن الخطأ » (سنن ترمذی، ج ۵، ص ۶۶۲، این روایت حدیث ثقلین) در کتب متعدد اهل سنت به کرات بیان شده، من جمله مجمع الزوائد هبثمی ج ۱ ص ۴۸۲ ، باب ال زای و...)

با قطع و یقین ثابت گردید، که هر کسی که خداوند به اطاعت او امر نموده، واجب است که معصوم از خطا باشد.

و در حدیث ثقلین نیز که مکرراً در منابع فریقین نقل شده، اینچنین آمده که نبی گرامی اسلام میفرماید: «إنی قد ترکت فیکم ما إن اخذتم به) بهما) لن تضلوا؛ کتاب الله و عترتی أهل بیته» (نجم، آیه ۴، ۳)

حال با توجه به مطالب بیان شده که خداوند متعال طبق آیه ۵۹ نساء به صراحت دستور به اطاعت از پیامبری داده که در وصفش فرموده «و ما ینطق عن الهوی؛ إن هو إلا وحی یوحی» (المعجم الکبیر طبرانی ج ۵، ص ۱۵۳ باب ال زای) و تمام نطقش وحی الهی است و در همان آیه از سوره نساء اولی الامر را عدل ر رسول اکرم قرار داده و لازمه این اطاعت نیز؛ عصمت می باشد. و همان پیامبری که فرستاده الهی بوده و معصوم از خطا، در آخرین روزهای عمر شریفش، أهل بیتش را عدل قرآن قرار داده و میفرماید:

«إنی قد ترکت فیکم خلیفتین کتاب الله و أهل بیته، و إنهما لم یفترا حتی یردا علی الحوض» (منه المنعم فی شرح صحیح مسلم، ج ۴ ص ۸۳) همانا من میان شما دو خلیفه به یادگار میگذارم، یکی کتاب خدا و دیگری أهل بیتم. و همانا این دو از یکدیگر جدا نمی شوند تا اینکه در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند .

حال وقتی خداوند متعال، عترت را عدل قرآن قرار میدهد و تمام جامعه مسلمین را دعوت به تمسک و اطاعت کامل از عترت میکند و در صورت عدم اطاعت، به م نزله عدم اطاعت از پیامبر و به مراتب به منزله عدم اطاعت از خداوند می باشد، آیا صحیح است که بگوییم، خدا و پیامبرش صراحتاً امر به اطاعت از کسانی کرده اند که دارای خطا، اشتباه، فراموشیو گناه هستند؟ اگر گفته شود که عترت و

اهل بیت دارای خطا، اشتباه و... هستند، باید گفت که قرآن هم دارای خطا، اشتباه و... می باشد؛ و حال اینکه قطعاً چنین نیست.

صفی الرحمن مبارکفوری نیز که از علمای معاصر اهل سنت می باشد در شرحی که بر صحیح مسلم زده، در کتاب فضائل اصحاب النبی بیان میکند که: فالعصمة واجبة فی حق الأنبياء، ممکنة فی حق غیره. عصمت برای پیامبران واجب و برای غیر انبیاء هم امکان دارد. (روم، آیه ۲۱) اینک که خود اهل سنت نیز ادعا دارند که عصمت در مورد غیر انبیاء هم ممکن میباشد، آیا صحیح است که گفته شود حضرت زهرا، که بضعه الم صطفی بوده و جزء ثقلینی که دستور به اطاعت از ایشان داریم همانگونه که دستور به اطاعت از پیامبر داشته ایم و همینطور از مصادیق بلا شک آیه تطهیر است، نمیتواند دارای چنین جایگاهی باشد؟

### زنان پیامبر و آیه تطهیر:

آنچه که در ابتدا لازم است یاد آوری شود این مطلب میباشد که موضوع مقاله، در رابطه با شخصیت نورانی حضرت زهرا(سلام الله علیها) می باشد و در این مطلب که حضرت زهرا(سلام الله علیها) داخل در اهل البیت و آیه تطهیر می باشد هیچ شکی نیست و حتی تمامی کسانی که ازواج النبی را داخل در اهل البیت میکنند، اقرار میکنند که حضرت زهرا هم جزء اهل البیت می باشد. ولی به دلیل اهمیت موضوع، به صورت مختصر و کوتاه به این مطلب پرداخته میشود که آیا همانطور که برخی از مفسرین و مورخین اهل سنت بیان کرده اند همسران پیامبر هم شامل آیه تطهیر می شوند؟

اولین مسئله ای که در اینجا مطرح میشود، ضمایری هستند که در آیه شریفه تطهیر، آمده اند، در این آیه وقتی سخن از زنان پیامبر اکرم(ص) به میان آمده، از ضمیر جمع مونث استفاده شده و مخاطب، صرفاً زنان می باشند مانند: مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ - وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ و... و حتی بعد از بیان آیه تطهیر نیز، مجدداً سیاق آیه عوض شده و ضمایر به صورت جمع مؤنث بیان میشود. ولی فقط وقتی به بخش آیه تطهیر میرسد، سیاق آیه عوض شده و ضمایر جمع مذکر به کار میرود که هم شامل مذکر میشود هم مؤنث مانند: لِيَذْهَبَ عَنْكُمْ - وَيَطْهَرَكُمْ. و در زبان عربی، مخاطب ضمیر جمع مذکر، هم میتواند مذکر باشد هم مؤنث باهم، بعنوان مثال در سوره روم، اینگونه آمده: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (یوسف، ۲۸، ۲۹) و ضمایری که در آیه بکار رفته اند، جمع مذکر هستند و دلالت میکنند بر ازدواج و در کنار هم بودن زن و مرد؛ لذا اینکه برخی شبهه کرده اند که چون ضمیر جمع مذکر به کار رفته است پس شامل حضرت زهرا نمیشود نیز اشتباه است.

و همینطور وقتی، بحث از زنان پیامبر میباشد، به دلیل در خانه های متعدد بوده اند بیان میکنند: و قرن فی بیوتکُنَّ و دستور به این میدهد که در منزلهای خود باشید؛ ولی وقتی به این بخش از آیه میرسد، سیاق آیه کاملاً تغییر کرده و میفرماید: اهل البیت؛ پس مراد آیه یکخانه خستی نمیتواند باشد که بگوییم این آیه در شأن اهالی این منزل نازل شده، بلکه مراد اهل بیت پیامبر میباشد و فقط

یک خانه مشخصی را بیان میکند که با توجه به روایات متعددی که بیان شد در هنگام نزول آیه تطهیر در خانه ام سلمه، فقط پیامبر، حضرت علی، حضرت زهرا و حسنین (علیهم السلام) حضور داشته اند و نه غیر ایشان.

و البته در قرآن موارد متعددی وجود دارد که در یک آیه ضمایر متعددی به کار رفته و هر کدام به قصد اشاره به یک مورد خاص آمده اند، نه اینکه مخاطب همه آن ضمایر، یک مورد مشخصی باشد که ما بگوییم چون در ابتدای آیه بحث زنان پیامبر مطرح شده، پس این بخش آیه نیز شامل آنها میشود مانند: «... قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ يَوْسُفُ أَعْرَضَ عَن هَذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ إِنَّكَ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ». (هفت و نه ماه نیز نقل شده) که در ابتدا، خطاب آیه به زنان می باشد (کیدکن) و سپس خطاب به سوی حضرت یوسف می باشد که میگوید: یوسف أَعْرَضَ وَ مَجْدَا خطاب به سوی زن بر میگردد (استغفری) و قطعاً کسی نمیتواند بگوید که چون در ابتدا کیدکن آمده پس یوسف أَعْرَضَ در اینجا معنایی ندارد و همینطور بعد از بیان یوسف أَعْرَضَ، مجدداً خطاب به سوزن بر میگردد و میگوید: استغفری لذنبک... که به این مسئله جابجایی ضمایر، التفات میگویند که برای زیبا کردن کلام استفاده میشود که ابتدا مخاطب کلام، یک گروه یا فردی میشود و سپس مخاطب، گروه و شخص دیگری. و البته همانطور که بیان شد، چون زنان پیامبر در خانه های متعددی بودند، اگر مراد آیه آنها بوده اند باید اهل البیت بیان میشود، نه اهل البیت و این نیز با روایات متعددی ثابت شد که در هنگام نزول آیه، از زنان پیامبر، فقط ام سلمه حضور داشت، که ایشان هم از رسول اکرم راجع به جایگاه خود، سوال کرده و میگوید که آیا من نیز داخل در اهل البیت هستم و پیامبر اکرم، ایشان را صرفاً جزء ازواج النبی معرفی میکند.

از طرفی در احادیث متعددی بیان شده که رسول اکرم بعد از نزول آیه تطهیر، به مدت ۶ ماه (معجم الکبیر طبرانی، ج ۳ ص ۵۶، سنن ترمذی ج ۵ ص ۳۵۲) دائماً هر روز هنگام نماز صبح، به درب منزل حضرت زهرا میرفتند و بعد از دعوت به نماز، آیه تطهیر را تلاوت میفرمودند. در حالیکه در مورد هیچ یک از زنان پیامبر، حتی یکبار هم نقل نشده که رسول اکرم، آنها را مخاطب این آیه قرار داده باشند؛ بعنوان مثال طبرانی در معجم الکبیر از انس بن مالک از رسول اکرم نقل میکند که: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَمُرُّ بِبَيْتِ فَاطِمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا سِتَّةَ أَشْهُرٍ إِذَا خَرَجَ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ يَقُولُ الصَّلَاةُ، إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيذْهَبَ عَنْكُمْ أَلْ رَجَسَ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ يَطُّ هِرْكُمْ تَطْهِيراً». بعد از نزول آیه تطهیر پیامبر اکرم، به مدت ۶ ماه هنگام نماز صبح به منزل حضرت زهرا رفته و بعد از دعوت به نماز، آیه تطهیر را تلاوت میفرمودند).

مطلب بعدی که ثابت کننده این می باشد که زنان پیامبر داخل در اهل البیت آیه تطهیر نمیشوند، با استناد به حدیث ثقلین بدست می آید همانطور که قبلاً نیز به آن اشاره شد و آن اینکه حدیث ثقلین با اندکی تغییر در منابع فریقین نقل شده و پذیرفته شده می باشد و در صحت این حدیث هیچ شکی وجود ندارد؛ رسول اکرم در این حدیث بیان میفرمایند که: «إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ خَلِيفَتَيْنِ

کتاب الله وأهل بیتی ، وإنه ما لم یفترقا حتی یردا علی الحوض» و یا میفرمایند: «إنی قد ترکت  
فیکم خلیفتین کتاب الله وعترتی أهل بیتی.

سؤالی که راجع به این حدیث پیش می آید این میباشد که مراد از «عترتی اهل بیتی» در این  
حدیث شریف چه کسانی هستند؟؟ آیا میتوان قبول کرد که منظور از اهل بیت در این حدیث  
شریف، زنان پیامبر میباشند؟ و حال آنکه کسی چنین ادعایی نکرده، پس وقتی در حدیث ثقلین  
مراد از اهل البیت، زنان پیامبر نمی باشد، چگونه میتوان در آیه تطهیر این مطلب را پذیرفت؟

همینطور تقریباً در تمامی احادیثی که در مورد آیه تطهیر بیان شده و در کتب فریقین آمده، این  
مطلب به صراحت بیان شده که رسول اکرم<sup>ص</sup> بعد از نزول آیه به حضرت زهرا، حضرت علی  
و حسنین<sup>علیهم السلام</sup> خصوصاً اشاره کرده و می فرماید: اللهم هؤلاء أهل بیتی .... پرودگارا ایشان اهل  
بیت من هستند. گویا پیامبر اکرم<sup>ص</sup> میدانستند که عده ای این مطلب را نخواهند پذیرفت و لذا با این  
اشاره خواسته اند حجت را تمام کنند و همینطور قضیه دعوتبه نماز صبح که جریانش بیان شد، و  
حال اینکه در مورد هیچ کدام از زنان پیامبر، نه تنها این الفاظ و اشارات از سوی نبی گرامی<sup>ص</sup>  
استفاده نشده، بلکه حتی مکرراً خلاف آن نیز راجع به ام سلمه که در آنجا حضور داشته نقل شده  
است. و همینطور اشکالات فراوان دیگری که در اینجا همین مطالب بصورت اجمال، کفایت میکند

## نتیجه گیری

در ابتدای مقاله، بحث مفهوم شناسی مطرح شده و مشخص شد که اینکه آیه شریفه می فرماید: «نما یرید الله لیذهب عنکم ال رجس اهل البیت و یطهرکم تطهیراً» منظور از رجس یعنی هر گونه نقصان و عیبی و همینطور مراد از تطهیر، یعنی پاکی ظاهری و باطنی. و همینطور عصمت نیز به این معنا میباشد که شخص با دارا بودن اختیار کامل از رجس و پلیدی و هرگونه نقصانی دوری میکند. بنابراین آنچه که غالب کتب آنرا نقل کرده اند؛ آیه تطهیر در منزل ام سلمه بر پیامبر اکرم(ص) نازل شد و بعد از نزول این آیه؛ پیامبر اکرم(ص) حضرت علی، زهرا و حسنین(علیهم السلام) را در زیر کساء قرار داده و فرمودند: ایشان اهل بیت من هستند، خدایا پلیدی را از ایشان دور بفرما و سپس ام سلمه از رسول اکرم میپرسند که آیا من نیز داخل در اهل بیت هستم، که رسول اکرم(ص) میفرماید: تو جزء زنان پیامبری و بر خیر.

عن ابي سعيد عن ام سلمة، زوج النبى صلى الله عليه وسلم ان هذه الآية نزلت في بيتهما؛ إنما يريد الله ليذهب عنكم ال رجس اهل البیت و يطهرکم تطهیراً، قالت: و أنا جالسة على باب البیت، فقلت: أنا يا رسول الله أأست من اهل ال بیت؟ قال: «إنک إلى خیر، أنت من أزواج النبى صلى الله عليه وسلم» قالت: و فى البیت رسول الله صلى الله عليه وسلم و على وفاطمة والحسن والحسين رضى الله عنهم

مفسرین شیعی در اینکه آیه تطهیر در شأن پنج تن(علیهم السلام) نازل شده، متفق القول بوده و نظر واحدی دارند، ولی اهل سنت بعضاً زنان پیامبر را هم داخل در شأن نزول آیه میدانند. ولی به در هر صورت همه مفسرین و کسانی که این مطلب را بیان کرده اند اعم از شیعه و سنی بر روی این مطلب اتفاق نظر دارد که حضرت زهرا(سلام الله علیها) یکی از مصادیق شأن نزول آیه شریفه میباشد و نظر اهل سنت راجع به اینکه این آیه در شأن زنان پیامبر نیز میباشد، قابل نقد بوده و همانگونه که اشاره شد، خود نبی اکرم(ص) که مفسر اصلی قرآن میباشد نه تنها هیچ گونه اشاره ای به این مطلب نکرده اند، بلکه بصورت متعدد خلاف این قضیه نیز از ایشان نقل شده و حال چگونه وقتی مفسر

اصلی قرآن؛ چنین مطلبی را بیان نمیکند، میتوان چنین چیزی را به قرآن نسبت داد؟ همانگونه که مطرح شد، شکی در اینکه حضرت زهرا از مصادیق شأن نزول آیه میباشد نیست، و سپس سؤالی که مطرح میگردد این است که آیا میتوان با استدلال به این آیه عصمت را در حق حضرت زهرا(سلام الله علیها) پذیرفت؟ که با توجه به اینکه در آیات و روایات متعددی امر به اطاعت از اولی الامر شده و همینطور وقتی پیامبر اکرم(ص) که «ما ینطق عن الهوى هستند» اهل بیت را در حدیث ثقلین، قرین قرآن میدانند و تمسک به ایشان را باعث عدم گمراهی، نمیتوان پذیرفت که پیامبر گرامی به کسانی دعوت کرده اند که اشتباه و نقصان دارند و همینطور وقتی اهل بیت، طبق همان حدیث شریف، عدل قرانی باشند که «إن هو إلا وحی یوحى» است، اگر نقصان و کاستی و اشتباه را راجع به ایشان بپذیریم باید قبول کنیم که عدل ایشان نیز که قرآن باشد، دارای عیب، نقصان و اشباه می باشد، و حال آنکه کسی چنین مطلبی را قبول نکرده است.

همینطور بیان شد که صفی الرحمن مبارکفوری نیز که از علمای معاصر اهل سنت میباشد در شرحی که بر صحیح مسلم زده، این مطلب را پذیرفته که عصمت در حق پیامبران، واجب و برای غیر انبیاء هم امکان دارد.

حال با توجه به فضائل فراوانی که از حضرت زهرا نقل شده و همینطور دعوت به اطاعت و تمسک به ایشان و همینطور اثبات گردید که جزء اهل بیت هستند و با وجود اینکه اختیار کاملی دارند از هر گونه گناه، اشباه و نقصانی به دور، پس میتوان ایشان را شایسته مقام عصمت دانست و از آن نیز دفاع کرد طبق آنچه خود اهل سنت در کتب مختلف تفسیری و غیر تفسیری بیان کرده اند.

## منابع:

- ۱: قرآن کریم
- ۲: اسرار آل محمد(ص)، ترجمه اسماعیل انصاری زنجانی خوئینی (۱۳۷۵).
- ۳: کتاب سلیم بن قیس هلالی(بدون ترجمه)، ج ۱.
- ۴: العین، أبی عبدالرحمن الخلیل بن احمد الفراهیدی) ۱۰۰- ۱۷۵ هـ(تحقیق: الدكتور مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی .
- ۵: الفروق اللغویة، أبو هلال الحسن بن عبدالله بن سعید بن یحیی بن مهران العسکری) م: ۳۹۵ هـ، نشر دارلعلم والثقافة للنشر و التوزیع- مصر .
- ۶: لسان العرب، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین ابن منظور الأنصاری الرویفی الإفريقي) م ۷۱۱ هـ، نشر دار صادر- بیروت، چاپ سوم ۱۴۱۴.
- ۷: تهذیب اللغة، أبو منصور محمد بن احمد بن الأزهری الهروی) م ۳۷۰ هـ، (تحقیق محمد عوض مرعب، نشر دار إحياء التراث العربی- بیروت، چاپ اول ۲۰۰۱ میلادی .
- ۸: تفسیر مجاهد، أبو الججاج مجاهد بن جبر التابعی المکی القرشی المخزومی) م ۱۰۴ هـ، (تحقیق: دکتر محمد عبدالسلام أبو النیل، نشر دار الفکر الإسلامی الحديثه - مصر، چاپ اول ۱۴۱۰ هـ
- ۹: معانی القرآن، أبو جعفر النحاس أحمد بن محمد) م ۳۳۸ هـ، (تحقیق: محمد علی الصابونی، نشر جامعه أم القرى- مکه مکرمه، چاپ اول ۱۴۰۹.
- ۱۰: سنن الترمذی، أبو عیسی محمد بن عیسی بن سوره بن موسی بن الضحاک الترمذی) م ۲۷۹ هـ، (تحقیق احمد محمد شاکر، محمد فؤاد عبدالباقی و ابراهیم عطوه، نشر شرکه مکتبه و مطبعه مصطفى البابی الحلبي - مصر، چاپ دوم ۱۳۹۵ هـ) همینطور سنن ترمذی، نشر دار إحياء التراث العربی - بیروت)
- ۱۱: المستدرک علی الصحیحین، أبو عبدالله الحاكم محمد بن عبدالله بن حمدویه بن نعیم بنالحکم الضبی الطهمانی النیسابوری المعروف بابن البیع) م ۴۰۵ هـ، (تحقیق: مصطفى عبدالقادر عطا، نشر: دارالکتب العلمیه- بیروت، چاپ اول) ۱۴۱۱ هـ
- ۱۲: تفسیر ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی) م ۷۷۴ (تحقیق: سامی بن محمد سلامه، نشر دار طیبیه للنشر و التوزیع) چاپ دوم ۱۴۲۰ هـ.
- ۱۳: الهدایة إلی بلوغ النهایة فی معانی القرآن و تفسیره، واحکامه و جمل من فنون علومه، أبو محمد مکی بن ابی طالب ح موش بن محمد بن مختار القیسی القیروانی ثم الأندلسی القرطیبی المالکی) م ۴۳۷ هـ، (تحقیق: مجموعه رسائل جامعیه بکلیه الدراسات العلیاء و البحت الإسلامیه - جامعه الشارقة، نشر مجموعه بحوث الكتاب والسنة- کلیه الشریعه و الدراسات الإسلامیه- جامعه الشارقة. چاپ اول، ۱۴۲۹ هـ
- ۱۴: معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، أبو محمد الحسن بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوی الشافعی) م ۵۱۰ هـ، (تحقیق: عبدالرزاق المهدي، نشر دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ اول ۱۴۲۰ هـ.
- ۱۵: روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، شهاب الدین محمود بن عبدالله الحسینی الکووسی) م ۱۲۷۰ هـ، (تحقیق: علی عبدالله الباری عطیه، نشر: دارالکتب العلمیه- بیروت، چاپ اول ۱۴۱۵ هـ
- ۱۶: تفسیر الکبیر) مفاتیح الغیب، (فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی) م ۶۰۴ هـ، نشر: دارالکتب العلمیه- بیروت، چاپ اول) ۱۴۲۱ هـ



- ۱۷: مَنَّةُ المنعم فی شرح صحیح مسلم، صفی الرحمن المبارکفوری، نشر: دارالسلام للنشر و التوزیع، ریاض .
- ۱۸: المعجم الكبير، سليمان بن احم بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني، م ۳۶۰هـ (،تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، نشر: مكتبة ابن تيميه-قاهره، چاپ اول) ۱۴۱۵هـ).
- ۱۹: فتح القدير، محمد بن علي بن محمد بن عبدالله الشوكاني اليمني، م ۱۲۵۰هـ (،نشر: دار ابن كثير، دارالكتب الطيب -دمشق، بيروت، چاپ اول) ۱۴۱۴هـ).
- ۲۰: تفسير الطبري، جامع البيان عن تأويل آي القرآن، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر الطبري، م ۳۱۰هـ (،تحقيق: الدكتور عبدالله بن المحسن التركي، نشر: دار هجر للطباعة والنشر والتوزيع والإعلان .
- ۲۱: الكشف والبيان عن تفسير القرآن، أحمد بن محمد بن إبراهيم الثعلبي، أبو اسحاق، م ۴۲۷هـ (،تحقيق: الإمام أبي محمد بن عاشور، نشر: دار إحياء التراث العربي، ب يروت- لبنان، چاپ اول) ۱۴۲۲هـ).
- ۲۲: الجواهر الحسان في تفسير القرآن، أبو زيد عبد الرحمن بن محمد بن مخلوف الثعالبي، م ۸۷۵هـ (،تحقيق: الشيخ محمد علي معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، نشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ اول) ۱۴۱۸هـ).